

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۲/۰۷

موضوع: ترک کردن سنت پیغمبر اکرم از سوی اهل سنت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با شعائر دینی بود؛ عرض شد شهادت ثالثه جزء شعائر دینی و مذهبی هست و اهل سنت هم با توجه به رعایت برخی از شعائر خودشان برخی از مستحبات را ترک می‌کنند تا به شیعیان مشتبه نشوند.

به دیگر سخن، اهل سنت در رعایت شعائر خود تا این اندازه مقید هستند که سنت پیغمبر اکرم را ترک کنند تا به شعائر دیگران عمل نکنند و خود ملتزم به برخی از شعائر خودشان باشند.

ما چند نمونه از این شعائر را در گذشته عرض کردیم. یکی از این موارد تخرم بر یمین است که روایات آن را عرض خواهیم کرد.

سنت و سیره پیغمبر اکرم این بود که انگشتر به انگشت دست راست می‌کردند، اما از این جهت که این فعل یکی از شعائر شیعه به حساب می‌آید اهل سنت گفته‌اند ما این سنت و سیره پیغمبر اکرم را ترک می‌کنیم تا شبیه به شیعیان نشویم.

آقای «حصکفی» متوفای ۱۰۸۸ هجری در کتاب «در المختار» که «ابن عابدین» بر همین کتاب حاشیه زده و یکی از کتاب‌های معتبر فقهی احناف می‌باشد، می‌گوید:

«ويجعل له لبطن كفه في يده اليسر وقيل اليمنى»

بحث سر این است که انگشتر باید در کدام دست قرار بگیرد و بعضی گفته‌اند باید در دست راست باشد.

«إلا أنه من شعار الروافض»

مگر اینکه انگشتر در دست راست کردن از شعائر شیعیان است.

«فيجب التحرز عنه»

واجب است ما از این امر اجتناب کنیم.

الدر المختار، اسم المؤلف: دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٣٨٦، الطبعة: الثانية، ج ٦، ص ٣٦١، فصل

فی اللبس

این هم قرائتی از سنت پیغمبر اکرم و عمل به آن است! در جلد ششم این کتاب صفحه ٤٨٥ وارد شده است:

«جعل فسه لبطن كفه أو لا»

سپس می‌نویسد:

«اليسرى أو اليمنى»

انگشتر را در دست راست قرار دهد یا چپ؟!

تا جایی که می‌گوید:

«لكن قدمنا في الحظر عن البرجندی هنا أنه شعار الروافض وأنه يجب التحرز عنه»

نظر آقای بیرجندی این است که باید از این کار اجتناب کرد، زیرا از شعائر روافض می‌باشد و واجب هست از آن اجتناب کرد.

آقای «حصکفی» سپس می‌گوید:

«فتنبه»

الدر المختار، اسم المؤلف: دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۳۸۶، الطبعة: الثانية، ج ۶، ص ۴۸۵، باب فرع لو أن بازيا معلما أخذ صيدا فقتله

«ابن عابدین» که حاشیه‌ای بر «در المختار» دارد، در این خصوص چنین تعبیر می‌کند:

«قوله: (فی یده الیسری)»

بعد ایشان می‌گوید:

«وینبغی أن یکون فی خنصرها دون سائر أصابعه ودون الیمنی»

شایسته است انگشتر در انگشت کوچک باشد، نه دیگر انگشتان و نه انگشتان سمت راست.

«قوله: (فیجب التحرز عنه)»

واجب است انسان از انگشتر کردن در دست راست اجتناب کند.

«عبارة القهستانی عن المحيط: جاز أن يجعله فی الیمنی إلا أنه شعار الروافض»

عبارت «قهستانی» از کتاب «المحیط» این است: انگشتر در دست راست قرار دادن جایز هست، الا اینکه از شعائر شیعه‌ها شده است.

«ونحوه فی الذخیره»

این عبارت در کتاب «ذخیره» هم وارد شده است.

«قوله: (ولعله کان و بان)»

شاید این فعل از شعائر روافض بوده است و الان دیگر نیست.

«أی کان ذلك من شعارهم فی الزمن السابق»

این کار از شعائر شیعیان در زمان‌های سابق بوده است.

«ثم انفصل وانقطع فی هذه الأزمان»

شاید امروزه چنین نیست که انگشتر در دست راست کردن از شعائر شیعیان باشد.

«فلا ینهی عنه کیفما کان»

در این صورت نمی‌توان از این کار نهی کرد.

حاشیه رد المحتار، نویسنده: ابن عابدین، وفات: ۱۲۵۲، رده: فقه حنفی، خطی: خیر، تحقیق: إشراف:

مکتب البحوث والدراسات، چاپ: جدیدة منقحة مصححة، سال چاپ: ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م، ناشر: دار الفكر

للطباعة والنشر والتوزيع - بیروت - لبنان، ج ۶، ص ۶۷۷، فصل فی اللبس

عبارت‌هایی که تا اینجا بیان کردیم از فقهای احناف بود. «محی الدین نووی» یکی از فقهای مشهور شافعی است

که هم دوره با «مرحوم محقق حلی» بود. سال وفات ایشان با سال وفات «محقق حلی» استاد «علامه حلی»

سال ۶۷۶ هجری بود. «نووی» می‌نویسد:

«يجوز للرجل لبس خاتم الفضة فی خنصر بیمینه وإن شاء فی خنصر يساره كلاهما صح»

اگر مرد انگشتر را در انگشت کوچک دست راست یا چپ قرار دهد هر دو صحیح است.

«فعله عن النبي لكن الصحيح المشهور أنه في اليمين أفضل»

این کار از پیغمبر اکرم نقل شده است، اما روایت صحیح مشهور بر این است که انگشتر قرار دادن در دست راست افضل است.

«لأنه زينة واليمين أشرف»

زیرا انگشتر دست کردن زینت است و دست راست هم شرافت دارد.

افضل است انسان شیء زینتی را در دست راست قرار دهد.

«وقال صاحب الإبانة: في اليسار أفضل»

صاحب کتاب «الابانه» می گوید: انگشتر قرار دادن در دست چپ افضل از دست راست می باشد.

«لأن اليمين صار شعار الروافض»

زیرا انگشتر قرار دادن در دست راست یکی از شعار شیعیان است.

انسان واقعاً نمی داند به این فتاوی بخندد یا گریه کند!

او فتوا می دهد انگشتر در دست چپ افضل است، زیرا انگشتر قرار دادن در دست راست شعار شیعیان است.

«وتابعه عليه صاحبا التتمة و البيان»

صاحب کتاب تتمه و البيان هم چنین نظری دارد.

صاحبان دو کتاب «تتمه و بیان» با کتاب «الابانه» در این مورد هم نظر هستند. البته «محي الدين نووي» در ادامه می‌گوید:

«والصحيح الأول»

نظر اول و انگشتر قرار دادن در دست راست صحیح می‌باشد.

«وليس هو في معظم البلدان شعارا لهم»

در غالب شهرها انگشتر در دست راست قرار دادن از شعائر شیعه نیست.

«ولو كان شعارا لما تركت اليمين»

اگر شعار شیعیان هم باشد چنین نیست که انگشتر قرار دادن در دست راست ترک شود.

«وكيف تترك السنن لكون طائفة مبتدعة تفعلها»

چگونه می‌شود انسان سنت پیغمبر اکرم را ترک کند به این خاطر که یک طایفه بدعت گذار - یعنی

شیعه - این کار را انجام می‌دهند.

مشاهده کنید حتی زمانی که فتوا بر خلاف هم می‌دهند تماماً بودار است. حال چه اتفاقی افتاده است شیعه که

مفتخر به عمل به سنت پیغمبر اکرم هست که در حدیث ثقلین فرمود:

«إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيته وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

اهل بدعت شده‌اند! اما این آقایان که اهل بیت را کنار گذاشتند و سراغ امثال «ابوهریره» صاحب کارخانه حدیث سازی رفته‌اند، راست می‌گویند!!

ما سابقاً هم گفتیم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، عمر بن خطاب و حتی عایشه «ابوهریره» را کذاب می‌خواندند!! «ابوهریره» حدیث جعل می‌کرد و زمانی که گیر می‌افتاد، می‌گفت: این حدیث از کیسه «ابوهریره» است و از پیغمبر اکرم نشنیده بودم!!

حال عمل به سخنان «ابوهریره» و «عبد الله بن عمر» و دیگران به سنت تبدیل شده است، اما عمل به سخنان اهل بیت بدعت شده است. فردای قیامت معلوم خواهد شد و به قول معروف جوجه را آخر پاییز می‌شمارند! بزرگی نقل می‌کرد که شخصی به «بهلول» گفت: آیا ریش تو افضل است یا دُم سگ من افضل است؟! «بهلول» گفت: اگر به سلامتی از پل صراط گذشت ریش من افضل است، اما اگر نتوانست از صراط بگذرد و در جهنم افتاد دُم سگ تو افضل است.

حال ملاک آنجاست و مشخص خواهد شد چه کسی از صراط می‌گذرد و چه کسی با صورت وارد آتش جهنم می‌شود. «نووی» در ادامه می‌نویسد:

«وفی سنن أبی داود باسناد صحیح أن ابن عمر کان یتختم فی یساره»

به سند صحیح داریم که عبد الله بن عمر انگشتر خود را در دست راست قرار می‌داد.

«عبدالله بن عمر» همان کسی است که با امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی بیعت نکرد و در قضیه قیام صحابه بر علیه «یزید» گفت:

"ما با «یزید» بیعت کردیم؛ او امام و اولوالأمر ماست و از پیغمبر اکرم شنیدم هرکسی بیعت شکنی کند فردای قیامت همراه قانون شکنان و خیانت‌کننده‌ها محشور می‌شود." او همچنین در رابطه با «یزید بن معاویه» گفت:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۱

همین عبد الله بن عمر در زمان «عبد الملك» نزد «حجاج بن یوسف ثقفی» می آید و می گوید من دیشب یادم آمد که پیغمبر اکرم فرمود:

«من مات ولا امام له مات ميتة جاهلية»

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۴۲

دستم به «عبد الملك» نمی رسد، لذا آمده ام با تو که نماینده او هستی بیعت کنم. «حجاج» هم که مشاهده کرد او بیش از حد ساده لوح است، گفت: فعلاً دستم مشغول است. -پایش را دراز کرد- و گفت: فعلاً با پای من بیعت کن تا ببینیم بعداً چه خواهد شد!

«نووی» هم در اینجا می نویسد:

«باسناد صحیح أن ابن عمر كان يتختم في يساره»

سپس می نویسد:

«وباسناد حسن أن ابن عباس تختم في يمينه»

و با اسناد حسن وارد شده است که ابن عباس انگشتر را در دست راست قرار می داد.

أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦ هـ)، المجموع شرح المهذب، ج ٤، ص

٤٦٢، باب ما يكره لبسه وما لا يكره، ناشر: دار الفكر.

آقای «مناوی» از «بخاری» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«والتختم فی الیمین أصح شیء فی هذا الباب»

انگشتر به دست راست کردن صحیح‌ترین روایاتی است که در این زمینه وارد شده است.

«والیمنی أحق بالزینة»

و دست راست هم سزاوار زینت است.

این گفتار به این معناست که شرافت دست راست بیشتر است.

«وکونه صار شعار الروافض لا أثر له»

اینکه ادعا می‌کنند انگشتر قرار دادن در دست راست شعار شیعیان است، اثری ندارد.

[فیض القدير - المناوی]، الكتاب: فیض القدير شرح الجامع الصغير، المؤلف: عبد الرؤوف المناوی،

الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة الأولى، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۲۰۰، ح ۶۹۶۶

آقای «بخاری» شق القمر کرده که این مطلب را بیان کرده است. همچنین جناب «سیوطی» در کتاب خود به

نام «الشماثل الشریفة» می‌گوید:

«ورد التختم فی الیمنی من رواية تسعة من الصحابة»

نه تن از صحابه دستور دادند که انگشتر را در دست راست قرار دهیم.

«و فی اليسار من رواية ثلاثة»

سه روایت وارد شده است که انگشتر را در دست چپ قرار دهیم.

الكتاب: الشمائل الشريفة، المؤلف / الإمام جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي، دار النشر /

دار طائر العلم للنشر والتوزيع، عدد الأجزاء / ١، تحقيق: حسن بن عبيد باحبيشي، ج ١، ص ٢٧٦، ح ٤٩٧

او از بزرگان اهل سنت از جمله «عراقی» روایاتی را نقل می‌کند، سپس عبارت آقای «بخاری» را که خواندیم، نقل می‌کند.

با مطالعه روایاتی که علمای اهل سنت نقل کردند، مشاهده کردیم تنها مشکلی که آن‌ها با قرار دادن انگشتر در دست راست دارند این است که این کار شعار شیعه است و ظاهراً مانع دیگری نمی‌بینند.

آقای «ترمذی» که متوفای ۲۷۹ هجری است، چندین روایت نقل کرده است. او در کتاب خود سنن ترمذی جلد چهارم صفحه ۲۲۸ روایت ۱۷۴۲ از «عبد الله بن نوفل» نقل می‌کند و می‌گوید:

«رَأَيْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ»

«ابن عباس» را دیدم که انگشتر به دست راست کرده بود و می‌گوید

«وَلَا إِخَالَهٗ إِلَّا قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ»

آنچه به ذهنم می‌آید این است که ابن عباس گفت: دیدم پیغمبر اکرم را که انگشتر در دست راست قرار می‌دادند.

«قال أبو عيسى قال محمد بن إسماعيل حَدِيثُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ الصَّلْتِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَوْفَلٍ»

«ترمذی» همچنین در مورد سند روایت می‌گوید:

«حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ»

این روایت به اعتباری حسن و به اعتباری صحیح است.

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ٤، ص ٢٢٨، ح ١٧٤٢

در روایت بعد وارد شده است:

«حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ رَأَى ابْنَ أَبِي رَافِعٍ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ»

همچنین حماد بن سلمه نقل می‌کند ابن ابی رافع را دیدم که انگشتر را در دست راست قرار می‌داد.

«فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ رَأَى عَبْدَ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ»

از او سؤال کردم: چرا انگشتر را در دست راست قرار داده‌ای؟ او گفت: عبدالله بن جعفر انگشتر را در

دست راست قرار می‌داد.

«وَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ كَانَ النَّبِيُّ يَتَخَتَّمُ فِي يَمِينِهِ»

عبدالله بن جعفر هم گفت: پیغمبر اکرم انگشتر را در دست راست قرار می‌دادند.

سپس از «محمد بن اسماعیل بخاری» نقل می‌کند و می‌گوید:

«هَذَا أَصْحَحُ شَيْءٍ رُوي فِي هَذَا الْبَابِ»

این روایت، صحیح‌ترین روایتی است که در این باب وارد شده است.

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ٤، ص ٢٢٨، ح ١٧٤٤

دوستان ملاحظه می‌کنند آنچه اهل سنت از سنت پیغمبر اکرم نقل می‌کنند، تخطم بر یمین و قرار دادن انگشتر

در دست راست است.

«زمخشری» در کتاب «ربیع الابرار» جلد ۵ صفحه ۲۴ چنین تعبیر می‌کند: اولین کسی که انگشتر را در دست چپ قرار داد، «معاویة بن ابی سفیان» بوده است.

این روایات در کتب شیعه هم وارد شده است. آیت الله العظمی بروجردی در کتاب «جامع أحادیث شیعه» جلد دوم صفحه ۱۷۶ روایات متعددی می‌آورند و می‌نویسند:

تختم بر یمین از سیره و سنت پیغمبر اکرم بود و اولین کسی که این سنت را تغییر داد، «معاویة بن ابی سفیان» بوده است و بعد از او این سنت باقی مانده است بر مبنای آنچه از اهل بیت وارد شده است، شیعه تختم بر یمین را جزء سنت اهل بیت و پیغمبر اکرم می‌دانند.

البته چنین نیست که بگوییم تختم بر یسار حرام باشد، اما تختم بر یمین یکی از نشانه‌های شیعه بودن هست. اهل سنت معتقدند از شعائر شیعه بودن چند چیز است که یکی از آنها تختم بر یمین و مورد دیگر زیارت اربعین است. اهل سنت به جهت اینکه به شعائر شیعه عمل نکنند، تختم بر یمین را ترک می‌کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته